

لایونل رابینز

تاریخ اندیشه اقتصادی

سخنرانی‌های LSE

زیر نظر
استیون جی. مدیما
و
وارن جی. سمیوئلز

ترجمه

دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا



نشرنی

رابینز، لیونل رابینز، ۱۸۹۸ - ۱۹۸۴ م. Robbins, Lionel Robbins
تاریخ اندیشه اقتصادی: سخنرانیهای LSE / لایونل رابینز؛ زیر نظر استیون
جی. مدما و وارن جی. سمیونلز؛ ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی). - تهران: نشر
نی، ۱۳۸۴.

۴۸۸ ص.

ISBN 964-312-811-3

عنوان اصلی:

A History of Economic Thought: The LSE Lectures

فهرستتویسی براساس اطلاعات فیبا.

رازننامه.

کتابنامه: ص. [۴۴۹]-۴۶۶.

۱. اقتصاد - تاریخ. الف. مدما، استیون، ۱۹۶۳ - م. Medema, Steven, G.
ب. ساموئلز، وارن، ۱۹۳۳ - م. Samuels, Warren J. ج. آزاد،
غلامرضا، ۱۳۳۱ - م. مترجم، د. دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن
London School of Economic and political Science. ه. عنوان.

۳۳۰

RB1۷۵ / ۲

۱/۱۰۹

۱۳۸۴

م ۸۴.۲۱۴۹۴

کتابخانه ملی ایران

ویراستار: کاظم فرهادی



نشرنی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷
تلفن: ۵۹ و ۸۸۰۰۴۶۵۸، صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵
www.nashreny.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲
تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۶۴۹۸۲۹۴
کتابفروشی: خیابان کریمخان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹
تلفن ۸۸۹۰۱۵۶۱

Lionel Robbins

لایونل رابینز

A History of Economic Thought

تاریخ اندیشه اقتصادی

The LSE Lectures

(سخنرانیهای LSE)

زیر نظر استیون جی. مدما و وارن جی. سمیونلز

Edited by Steven G. Medema and Warren J. Samuels

Princeton University Press, 2000

ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)

• چاپ اول ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۱۶۵۰ نسخه • لیستوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-811-3

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۸۱۱-۳

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹	فهرست شکل‌ها
۱۱	یادداشت مترجم
۱۵	پیش‌گفتار
۱۹	مقدمه
۳۹	الف) پیش‌نگرش‌ها
	سخنرانی ۱
۴۱	مقدمه — افلاطون
	سخنرانی ۲
۵۴	افلاطون و ارسطو
	سخنرانی ۳
۶۷	آکویناس و اسکولاستیک‌ها
	سخنرانی ۴
۷۸	رساله‌نویسان — پول (آرم، بودن، «دابلو. اس.»)
	سخنرانی ۵
۹۲	رساله‌نویسان — مرکانتیلیسم (مالینز، میسلدن، من)
	سخنرانی ۶
۱۰۴	سر ویلیام پتی
	سخنرانی ۷
۱۱۹	چایلد و لاک (بهره)
۱۲۹	ب) ظهور سیستم‌ها
	سخنرانی ۸
۱۳۱	کانتی‌یون

.....	سخنرانی ۹
۱۴۲	کانتی یون (ادامه) — فیزیوکراسی
.....	سخنرانی ۱۰
۱۵۴	فیزیوکرات‌ها — تورگو
.....	سخنرانی ۱۱
۱۶۵	لاک و هیوم درباره مالکیت — هیوم درباره پول
.....	سخنرانی ۱۲
۱۷۹	هیوم درباره بهره و تجارت — پیشگامان آدم اسمیت
.....	سخنرانی ۱۳
.....	بررسی کلی مقاصد و نیت اسمیت —
۱۹۳	ثروت ملل: تحلیلی (۱)
.....	سخنرانی ۱۴
۲۰۳	ثروت ملل: تحلیلی (۲)
.....	سخنرانی ۱۵
۲۱۶	ثروت ملل: تحلیلی (۳) — خط‌مشی (۱)
.....	سخنرانی ۱۶
۲۲۹	ثروت ملل — خط‌مشی (۲)
.....	پ) کلاسیسیسم قرن نوزدهم
۲۴۳	سخنرانی ۱۷
.....	مرور کلی — مالتوس درباره جمعیت
۲۴۵	سخنرانی ۱۸
.....	ارزش و توزیع:
.....	خاستگاه تاریخی — تحلیلی (۱)
۲۵۶	سخنرانی ۱۹
.....	ارزش و توزیع: تحلیلی (۲)
۲۶۶	سخنرانی ۲۰
.....	ارزش و توزیع: تحلیلی (۳)
۲۷۵	

.....	سخنرانی ۲۱
۲۸۶	تبادل کلی
.....	سخنرانی ۲۲
۲۹۷	تجارت بین الملل
.....	سخنرانی ۲۳
۳۰۸	جان استوارت میل
.....	(د) دیگر اندیشه‌ورزانِ میانهٔ قرن نوزدهم
۳۲۱	سخنرانی ۲۴
۳۲۳	میل (ادامه) — سن سیمون و مارکس
.....	سخنرانی ۲۵
۳۳۲	مارکس (ادامه) — لیست و مکتب تاریخی
.....	(ه) سرچشمه‌های تحلیل مدرن
۳۴۳	سخنرانی ۲۶
.....	مکتب تاریخی (ادامه) — پیشگامان تحول
۳۴۵	کورنو، فن تونن، و جان را
.....	سخنرانی ۲۷
۳۵۶	انقلاب مارژینال (۱): چوئز
.....	سخنرانی ۲۸
۳۶۸	انقلاب مارژینال (۲): چوئز و منگر
.....	سخنرانی ۲۹
.....	انقلاب مارژینال (۳): هزینه‌های تمام شده (ویزر) —
۳۷۸	قیمت‌گذاری خدمات عامل (ویزر، کلرک، ویکستید)
.....	سخنرانی ۳۰
۳۸۹	نظریهٔ سرمایه: بوم - باورک و فیشر
.....	سخنرانی ۳۱
۴۰۱	والراس — پارتو

سخنرانی ۳۲

مارشال ۴۱۲

سخنرانی ۳۳

پول: فیشر، مارشال، ویکسل ۴۲۴

مؤخره

گسترش بیشتر موضوع ۴۳۵

کتابنامه ۴۴۹

واژه‌نامه ۴۶۷

نمایه نام‌ها ۴۷۵

نمایه موضوعی ۴۸۲

فهرست شکل‌ها

شکل ۱ :	جدول گنه	۱۵۷
شکل ۲ :	حاشیه بدون اجاره (بهره مالکانه) ریکاردو	۱۷۳
شکل ۳ :	هزینه‌های نسبی و دستاورد تجارت	۳۰۱
شکل ۴ :	نمودار تجارت بارونه	۴۱۷
شکل ۵ :	نمودار تجارت مارشالی	۴۰۸
شکل ۶ :	شدت رضایت چوئنز	۳۶۲
شکل ۷ :	جعبه‌اجورث	۳۶۴
شکل ۸ :	نمودار کار چوئنز	۳۶۶
شکل ۹ :	بزرگی موارد ارضای نیازهای منگر	۳۷۵
شکل ۱۰ :	نرخ بهره فیشر	۴۹۸
شکل ۱۱ :	مبادله فیشر بین درآمد کنونی و آتی	۳۹۹

www.ketab.ir

یادداشت مترجم

پیش‌گفتار اقتصاددان صاحب‌نام، ویلیام بامول، بر این کتاب و نیز مقدمه ویراستاران انگلیسی در خصوص جنبه‌های گوناگون این کتاب، خودگویای نکات بسیاری است که افزودن هر مطلبی به آن جز تکرار نیست. نوشته بامول در واقع یادنامه‌ای است بر شمار از سپاس در حق استاد بزرگی که از او بسیار آموخته است؛ و مترجم هم کوشیده است شیوه بیان بامول را، با همان رهیافت خاص او، در ترجمه حفظ کند. شرح مفصل ویراستاران انگلیسی و اقتصاددان کتاب درباره ویژگی‌های این سخنرانی‌ها، ضمن اشاره به ایجاز آن‌ها، با توجه به محدودیت در شیوه عرضه مطالب به دلیل تنگی وقت، اسلوب زبانی و کنار گذاشتن جزئیات، شامل نکات روشنگری درباره این سخنرانی‌ها است. اما مترجم خود را ملزم می‌داند نکاتی را درباره ترجمه فارسی این سخنرانی‌ها و چند نکته دیگر توضیح دهد.

- ویراستاران انگلیسی، همان‌طور که در مقدمه توضیح داده‌اند، کوشیده‌اند لحن گفتاری سخنرانی‌ها را بی‌کم‌وکاست با همان اشارات طنزآمیز و مطایبه‌های رایج حفظ کنند و از هرگونه دخل و تصرفی در متن بپرهیزند. گفتاری بودن متن، تداخل جملات، گسیختگی‌ها و حاشیه‌روی‌های سودمند رایج مشکل اصلی ویراستاران انگلیسی بوده است. به همین دلیل؛ جملات محاوره‌ای بسیار بلند و کشدار، آوردن معترضه‌ها و نقل قول‌های پایانی، استعمال افعال مرکب پشت سر هم (گاه سه فعل در یک جمله بلند)، و تکرار یک عبارت بعد از معترضه با ساخت نحوی متفاوت، یا افزودن واژه‌های مکمل به همان عبارت قبلی در لابه‌لای حرف‌ها، از مشکلات مترجم فارسی بوده است. با این همه، در ترجمه فارسی، هدف این بوده تا - در حد امکان - لحن گفتاری رایج در سخنرانی‌ها با ظرایف آن، بدون هرگونه حذفی، حفظ شود؛ همان‌گونه که ویراستاران انگلیسی بر این امر تأکید داشته‌اند.

- گاهی رایج بحثی را به دلیل پرداختن به بحث دیگر نیمه‌کاره رها کرده و به‌طور کامل به آن نپرداخته یا تمرکز بیشتر بر آن بحث را ضروری ندانسته است. گاهی هم بخشی از گفتار رایج روی نوار ضبط نشده یا صداها نامفهوم بوده است که ویراستاران انگلیسی در یادداشت‌های

مربوط به همان سخنرانی به آن اشاره کرده‌اند. در مواردی که امکان دسترسی به شاگردان شناخته شده و دانشگاهی رابینز وجود داشته است، ویراستاران انگلیسی با مراجعه به آن اشخاص مطلع، جمله یا جملات افزوده آنان را درون دو قلاب آورده‌اند.

- بعضی از نقل قول‌های ارجاعی رابینز از نظریه پردازان قدیم و اقتصاددانان سده‌های گوناگون، به علت انفصال از متن اصلی و ناپیوستگی جملات، ممکن است حتی برای برخی از دانشجویان مخاطب رابینز در کلاس درس هم گنگ و ناروشن بوده باشد، که شاید در مواردی برای خواننده فارسی‌زبان هم چنین باشد. مشخص است که رابینز در نقل این ارجاعات نکات ظریفی را در نظر داشته که به دلیل طرح موضوعات گوناگون در بحث، این نقل قول‌ها به تفصیل شکافته نشده یا به علت کمبود وقت، پرداختن همه جانبه به آن موضوع مغفول مانده است.
- رابینز در گفتارهای خود معمولاً افعال جمله در یک پاراگراف را در زمان‌های گوناگون صرف می‌کند، یعنی از زمان حال به ماضی مطلق، نقلی یا بعید می‌رود که گاه چاره‌نی جز حفظ آن‌ها نبوده است؛ چنان‌که ویراستاران انگلیسی هم دخالتی در یکدست‌سازی افعال این گونه جملات نکرده‌اند.

- ویراستاران انگلیسی به منظور خوانش آسان تر گفتارهای پیچیده رابینز در بحث‌های تئوریک، و نیز مطوّل بودن جملات، که پیشتر به آن اشاره شد، از نقطه‌گذاری بیش از حد معمول - که افراطی به نظر نمی‌رسد - استفاده کرده‌اند، و مترجم هم به ضرورت ملزم به رعایت آن‌ها بوده است.
- مترجم از ذکر عنوان رساله‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌ها به زبان‌های گوناگون - جز لاتین و مواردی که در متن سخنرانی رابینز آمده - و نیز ذکر نام لاتین اشخاص پرهیز کرده است. شناسنامه کامل اکثر منابع مورد اشاره سخنران به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و جز آن در کتاب‌نامه مفصل پایان کتاب آمده است. تنها در مواردی که نام اشخاص در کتاب‌نامه نیامده در یادداشت‌های پایان هر سخنرانی ثبت شده است.

- اکثر افزوده‌های درون قلاب از ویراستاران انگلیسی و در مواردی هم از مترجم یا ویراستار فارسی است. توضیحات مترجم فارسی با م. و توضیحات ویراستار فارسی با و. مشخص شده است.

همان‌طور که ویراستاران انگلیسی در مقدمه یادآور شده‌اند، از این سخنرانی‌ها می‌توان مطالب زیادی درباره تاریخ اندیشه اقتصادی آموخت. اگرچه ممکن است بعضی از سخنرانی‌ها یا بخش‌هایی از آن‌ها برای بعضی از دانشجویان و علاقه‌مندان پیچیده و سنگین به نظر رسد، اما این سخنرانی‌ها حاوی نکات ظریف، پراهمیت و جالب توجه‌ئی است که به سادگی نمی‌توان از آن‌ها گذشت، چنان‌که هر

کتابخوان علاقه‌مند و اهل پژوهش را به تفکر وامی‌دارد و چشم‌انداز تازه‌ئی را در برابر او می‌گشاید: این‌که چگونه بیندیشد و چگونه نکات پر اهمیت را که در ظاهر چندان مهم جلوه نمی‌کنند، از دل متون بیرون کشد و به تحلیل آن‌ها بپردازد.

در پایان، مترجم وظیفه خود می‌داند از محقق و مترجم گرامی آقای کاظم فرهادی که کار مقابله ترجمه با متن اصلی و ویرایش متن فارسی را به‌عهده داشته‌اند؛ آقای ایزدی‌نیا که از همکاری‌شان بهره برده‌ام؛ خانم‌ها طاهره میرزاده که کار حروف‌نگاری را انجام داده‌اند، پروین حسن‌خانی و همکارشان نینا ماژجو که کار نمونه‌خوانی را به‌دقت انجام داده‌اند، تشکر کنم. در این‌جا باید یادآور شوم که مسئولیت تمام لغزش‌های احتمالی با مترجم است. امیدوارم صاحب‌نظران از راهنمایی‌های ارزشمند و تذکرات لازم دریغ نورزند. امید است ترجمه این کتاب گام تازه‌ئی در شناخت اندیشه‌های اقتصادی در جهان، از دیرباز تا کنون، باشد و استادان، محققان و دانشجویان علوم اقتصادی و اجتماعی را به کار آید.

غلامرضا آزاد (ارمکی)

تابستان ۱۳۸۴

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

ویلیام جی. بامول، دانشگاه نیویورک

این سخنرانی‌های فصیح و شیوا به‌خودی خود گویا هستند، و دستاوردهای دقیق و محققانه ویراستاران نیز از همان ویژگی برخوردار است. بنابراین، چه نکته‌ئی را می‌توانم به این پیش‌گفتار بیفزایم؟ پاسخ این است که من در آنجا بودم. من هم، مانند بسیاری پیش و پس از خودم، تجربه تکرار نشدنی استماع سخنرانی‌های روشنگر این مرد ممتاز، معلّم من، را که دوست نزدیک و صمیمی من شد، داشتم. هر کس متن این سخنرانی‌ها را بخواند، می‌تواند سبک، گستره مطالب مورد بحث، استادی خردمندانه خیره‌کننده، و انگیزه‌ئی را که ایجاد می‌کنند، تحسین کند، و بی‌گمان نیز چنین خواهد کرد. من فقط می‌توانم ویژگی دلپذیر این تجربه فراموش نشدنی را، هرچند نارسا، بیان کنم.

محور تجربه یاد شده خود این مرد بود. بلند قامت، تنومند، شکوهمند، با صدائی رسا و پرطنین و یال و کوبالی شیرآسا که جمیع دانشجویان را از هوشمندی والدینش در فراهم آوردن ژن‌هائی چنین شایسته شگفت‌زده می‌کرد. توصیف او به‌عنوان مردی با شخصیتی قوی کوتاهی محض در بیان حقیقت است. دانشجویانش ناخودآگاه سبک و روش، ویژگی‌های شخصی، و شیوه‌های سخنرانی‌اش را، که یادآور عصری متقدم‌تر و کمتر ماشینی شده است، تقلید می‌کنند. با این همه، طولی نمی‌کشید که شخص درمی‌یافت این شخصیت سلطه‌جو نیست. حس طنز عمیقی داشت و لطیفه‌هایش جذاب و گیرا بود. همیشه، به‌خصوص نسبت به جوان‌ترها و به‌ویژه موقعی که جمعی دیگر حضور داشتند و کارهایش را مشاهده می‌کردند، با ملاحظه و مهربان بود. اما آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کرد، تسلط بر زبان، ذهن شفاف، و علم و فضل باور نکردنی او بود که حافظه‌ئی بسیار قوی و شگفت‌انگیز آن‌ها را همراهی می‌کرد.

تعریف حکایتی دو مورد از این صفات را کاملاً توضیح می‌دهد، گرچه می‌توانم موارد بیشتری را تعریف کنم. گاهی برحسب اتفاق ناهار را با لایونل صرف می‌کردم. آن روز هرولد لاسکی هم به ما پیوست. من در آن زمان کمک مدرّس بودم، یعنی رتبه‌ئی آن‌قدر پایین که در ایالات متّحد معادلی برای آن نمی‌توان یافت. طولی نکشید که مکالمه به بحث داغی درباره

برخی از مؤلفان گمنام قرن هجدهم و منتقدان به مراتب گمنام تر قرن نوزدهمی آنها، که قبلاً اسم هیچ کدامشان را نشنیده بودم، تبدیل شد. با این حال، من محکوم به کنار کشیدن از مکالمه نبودم. هر از گاهی لایونل به من می گفت، «موافق نیستی ویلیام عزیزم؟» بعد مکشی می کرد که اگر بخواهم اظهار نظر بکنم، بتوانم سخن بگویم، اما این مکث آن قدر طولانی نبود که اگر حرفی برای گفتن نداشتم مرا شرمند کند.

وسعت اطلاعات او علاوه بر اقتصاد در زمینه هنرهای تجسمی، اپرا، ادبیات و تاریخ هم حیرت انگیز بود، اما عظمت اطلاعاتش درباره اقتصاد واقعاً زیاده از حد بود که بسیاری از آن در سخنرانی ها آشکار می شد؛ این سخنرانی ها در تالار اجتماعات بزرگی موسوم به «تئاتر کهنه» ایراد می شد. این تالار عبارت از اتاقی تاریک و قاب بندی شده با نوری اندک و گرمائی بسیار ضعیف بود. من بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم، از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ وارد مدرسه اقتصاد لندن (LSE) شدم. هنوز آثار زشت بمباران های وحشیانه در لندن به چشم می خورد. سوخت و غذا کمیاب و جیره بندی بود: گروه دانشجویان ملبیس به لباس های با دوام کاملاً فرسوده، به جا مانده از جیره بندی حقیرانه پوشاک احتکار شده، آن قدر که از این وجه اشراف منشی قابل تصور بود، نامرتب و ژولیده بودند. با این همه، وقتی دانشجویان کارشناسی ارشد به دانشجویان کارشناسی ملی پیوستند، تا مبهوت و متحیر به سخنرانی رابینز گوش فرا دهند، هنگامی که آن صدای رسا و پرطنین نه تنها نظریه ها بل خود چارچوب فکری اسلاف مان در تحلیل اقتصادی را برای ما بازآفرینی می کرد، همه آن آشفته گی و ژولیدگی فراموش می شد.

در دیدارهای بعدی از لندن، او همیشه همسر بشاش و خوش روحیه اش، زنی با شخصیت نیرومند، و نیز من و همسر مرا، بامداد روز یکشنبه به نگارخانه ملی می برد، که به روی عامه مزدم بسته اما به روی او، به عنوان عضو هیأت مدیره، باز بود. دو یکی از آخرین بازدیدها پیش من زبان به شکایت گشود که حافظه اش دیگر او را چون گذشته یاری نمی کند. بعد، موقعی که در نمایشگاه قدم برمی داشتیم، هر زمان که نسبت به نقاشی و تصویری ابراز علاقه خاص می کردم، او توضیح می داد که نمایشگاه آن نقاشی را چگونه به دست آورده، آیا مالک اولیه اش مشخص بوده، و در این صورت چه کسی بوده، نقاشی در چه وضعیتی قرار داشته، و اشعه ایکس چه چیزی را زیر سطح آن نشان داده است.

بعد از دریافت مدرک از مدرسه اقتصاد لندن، بیست سال به تدریس تاریخ عقاید اقتصادی در سمینارهای خودم در دانشگاه پرینستن پرداختم. وقتی که ابتدا این یادداشت های دست نویس را از خانواده رابینز، که هنوز از دوستان عزیز ما هستند، دریافت داشتم، در حیرت ماندم که چقدر

مطلب از آن استخراج خواهیم کرد. در آغاز نمونه‌برداری، اتفاقاً به فصل مربوط به مندویل مراجعه کردم و با تمجید لایونل از سبک و فرزانی این مهاجر از کشوری دیگر (هلند) و از رشته تحصیلی دیگر (پزشکی) روبه‌رو شدم. نتوانستم در مقابل میلِ مراجعه به یادداشت‌های خودم در مورد مندویل مقاومت کنم، و چند هفته بعد، از مسرت کشف خودم در این خصوص، از تحقیقات متفکری عظیم دربارهٔ اندیشه‌مندی دیگر برخوردار شدم.

در سال‌های آخر، تمامی مکاتبات بین ما و لایونل و همسرش آیریس بدون استثنا با عبارت «با محبت تمام» امضا می‌شد. اطمینان دارم این پیش‌گفتار قدری از آن احساسات و عواطف را بیان می‌کند.

www.ketab.ir

مقدمه

این سخنرانی‌ها را که برای نخستین بار در این کتاب انتشار می‌یابند، لایونل رابینز در مدرسه اقتصاد لندن در سال‌های ۸۰-۱۹۷۹ و ۸۱-۱۹۸۰ ایراد کرد.

لایونل رابینز یکی از غول‌های قرن بیستم انگلستان در زمینه آموزش دانشگاهی به‌طور اعم و اقتصاد به‌طور اخص بود. در زندگی عمومی خود به‌عنوان مشاور اقتصادی دولت در مدیریت هنرها، روزنامه‌نگاری و اصلاح آموزش عالی موقعیتی ممتاز و تراز اول داشت.^۱ اگرچه شاید به‌دلیل اثرش در نظریه و روش‌شناسی اقتصادی (به‌ویژه رساله‌ئی درباره طبیعت و اهمیت علم اقتصاد [لندن: مک‌میلان، ۱۹۳۲]) و نظریه سیاست اقتصادی شهرت زیادی داشته باشد، اما او در زندگی حرفه‌ئی‌اش مؤرخ برجسته تفکر اقتصادی در انگلستان بود. او در تعدادی از موضوع‌ها آثار دوران‌ساز و مؤثری تألیف کرد. از جمله نظریه سیاست اقتصادی در اقتصاد سیاسی کلاسیک انگلیسی (لندن: مک‌میلان، ۱۹۵۲)، رابرت تارتر و تکامل اقتصاد کلاسیک (لندن: مک‌میلان، ۱۹۵۸)، نظریه توسعه اقتصادی در تاریخ اندیشه اقتصادی (لندن: مک‌میلان، ۱۹۶۸)، و تکامل نظریه اقتصاد مدرن (شیکاگو: آلداین، ۱۹۷۰).

چندین سخنرانی معلم‌وار درباره تاریخ اندیشه اقتصادی وجود داشته که به‌نحوی شایسته از آن‌ها ستایش شده است. سخنرانی‌هایی را که ولسلی سی. میچل در کلمبیا، جی‌کب واینر در شیکاگو و پرینستن، یوزف شوپتر در هاروارد، و ادوین آر. ای. سلیگمن در کلمبیا ایراد کرده‌اند، از جمله معروف‌ترین و ستوده‌ترین آن‌ها بوده است. درسی که لایونل رابینز در آن کلاس در مدرسه اقتصاد لندن ارائه کرد، به‌صورت دوره درسی در انگلستان عرضه شد. رابینز در آن دوره درسی و در اثری که انتشار داد، اگر بر همه مؤرخان ممتاز اندیشه اقتصادی نسل بعد در انگلستان و دیگر نقاط تأثیر نگذاشته باشد، بسیاری را آموزش داده و بر بسیاری از آن‌ها اثر گذاشته است. سخنرانی‌هایی که متن آن‌ها در این کتاب آمده است واقعاً معلّم‌وار بود، و زمانی ایراد شده است که رابینز دهه هشتاد زندگی‌اش را می‌گذراند. رابینز از فضل و کمال، فصاحت و بلاغت، و نیز به‌همان میزان از انگیزه و توجه محبت‌آمیز برخوردار بود که موضوع را در حدّ کمال و بسیار

جذاب تدریس کند. سخنرانی‌ها، با توجه به سطوح مختلف دقت‌شان، نمونه‌های استادانه‌ئی از ایجاز، وضوح و انشای عالی است. اما این‌ها به صرف سخنرانی بودن‌شان متأثر از محدودیت در شیوه عرضه، تنگی وقت، اسلوب زبان و کنار گذاشتن جزئیات و محتوا مرتبط‌اند. اگر رابینز رساله‌ئی می‌نوشت، متن آن مانند این سخنرانی‌ها نبود، اما همین سخنرانی‌ها حاوی مضامین عمده‌ئی است که رابینز دربارهٔ این موضوع‌ها بیان کرده است.

از این سخنرانی‌ها می‌توان مطالب زیادی دربارهٔ تاریخ اندیشه اقتصادی آموخت. اگرچه ممکن است برای کسی که در این زمینه هنوز در ابتدای راه است، آغاز خوبی نباشد اما خواننده در مطالعه دقیق آن‌ها با مشکل روبه‌رو نخواهد شد. این سخنرانی‌ها بیشترین ارزش و اهمیت را برای کسانی خواهد داشت که به خود رابینز، یا تدریس این موضوع، و نیز نحوه پرداختن او به مطالب گوناگون تفسیر علاقه‌مندند.

تاریخ علم اقتصاد به بیان خود نمی‌پردازد. اقتصاد، بسط اندیشه اقتصادی و علم اقتصاد به‌عنوان یک رشته حرفه‌ئی، و شرح تاریخی توسعه آن مصنوعات هستند که هر یک از لحاظ اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شوند. از این‌رو، خواننده به ساختار تاریخ اندیشه اقتصادی رابینز علاقه‌مند می‌شود.

رابینز در نخستین سخنرانی‌اش، موضوع موردنظر خود را توجیه و نحوه توضیح و تبیین آن را مشخص می‌کند. رابینز به بازگو کردن تاریخ اندیشه اقتصادی می‌پردازد و آن‌را در درک آنچه در جهان معاصر جریان دارد و نیز در گفت‌و شنود هوشمندانه دربارهٔ موضوع‌های اقتصادی سودمند تلقی می‌کند. اگرچه تاریخ علوم طبیعی برای درک فیزیک و زیست‌شناسی معاصر ضروری نیست، اما این امر در مورد اقتصاد مصداق ندارد. «نهاده‌ها و اندیشه معاصر آمیخته با میراث گذشته است و اطلاع بر نحوه نشأت گرفتن عقاید مختلف و این‌که فراز و نشیب‌های آن‌ها، ذاتاً در بسط موضوع، به‌طور عارضی در تأثیر آن‌ها بر تفکر عمومی دربارهٔ جامعه چه بوده، چگونه دگرگونی یافته‌اند، و دلالت‌های ضمنی آن‌ها در گفتار روزمره» - همه این‌ها برای کسی که به‌جای دیدگاهی ساده‌لوحانه میل دارد بینشی پیشرفته و موشکافانه داشته باشد حائز اهمیت است. او در این ارتباط، به‌نحوی مطلوب به نقل قول از مارک پتیسن و جان میثارد کینز می‌پردازد. «درک پیشرفت‌های معاصر بدون آگاهی از نحوه پیشرفت آن‌ها دشوار است». یکی از مثال‌های رابینز «اقتصاد آزاد» است و در تعدادی از آثار منتشر شده‌اش که پیشتر ذکر شده به‌خصوص نظریه سیاست اقتصادی در اقتصاد سیاسی کلاسیک انگلیسی، در درک ما از اصول اساسی نقش اقتصادی دولت تأثیری بنیادی گذاشت. اگر گفتمان معاصر در این زمینه جداً از خطی که رابینز تعیین

می‌کند برخوردار می‌شد، آن گفتمان مسلماً از پیچیدگی و ظرافت بیشتری بهره‌مند می‌شد و از دخل و تصرف عقیدتی بیشتر مصون می‌ماند. خواننده باید درک کند که چنین پیچیدگی و ظرافت فرضیه‌های پیشین را که در سیاست دولت منافع چه کسی باید منظور شود، شامل نمی‌شد و شمول بنیادی و نیز ماهیت تغییر سیاست را به مراتب روشن‌تر می‌ساخت.

رایبزر سپس به نحوه تفسیر و تبیین این موضوع می‌پردازد. او در حمایت از استفاده از رهیافتی فراگیر استدلال می‌کند که از افراط و تفریط در بررسی عقاید اقتصادی به عنوان تنها پی آمدهای جانبی شرایط کنونی اقتصاد اجتماعی و در نظر گرفتن آن‌ها به عنوان تنها نمونه‌های تفکر ناب اجتناب می‌کند. او به نحوی مناسب این موضع را با اثر دیوید ریکاردو تشریح می‌کند. تفکر ریکاردو در اثر مسائل عظیم زمانه‌اش برانگیخته شد. اما برحسب استدلال کاملاً انتزاعی «نسبت به شرایط و اوضاع معاصر به مراتب بیگانه‌تر از اقتصاددانان مدرن ریاضی» پیش برده شد. او برای تنظیم موضوع خود نیز رویکردی فراگیر، یا التقاطی، در پیش می‌گیرد. او می‌گوید: «من روش دلخواه خودم را دنبال می‌کنم، و گاهی درباره اصول و آموزه‌ها صحبت می‌کنم، گاهی درباره اشخاص، و گاهی درباره دوره‌ها». رایبزر نسبت به مسأله برخورداری از «دیدگاهی بی طرفانه در خصوص موضوعاتی که ارتباطی بسیار نزدیک با علائق شخص و زندگی روزمره او دارد» موضع گوناوار میردال را اتخاذ می‌کند، یعنی «برملا کردن تعصب شخص در حینی که از آن آگاه می‌شود». طرح و محتوای سخنرانی‌ها برداشت رایبزر از علم اقتصاد، و نیز نظام اقتصادی، را منعکس می‌کند. رایبزر مانند اکثر علمای جریان اصلی علم اقتصاد، بر مبادله، قیمت‌گذاری (ارزش)، و تخصیص منابع و بنابراین بر سازوکار قیمت و عملکرد بازارهای صرفاً مفهومی و ادراکی تمرکز می‌کند. ملاحظات گسترده‌تر - مانند سازماندهی و کنترل نظام اقتصادی، روابط بین نظریه دانش و سیاست اجتماعی، و مسأله نظم (اندیشه‌های مربوط به آزادی در مقابل کنترل، پیوستگی در مقابل تحول، و سلسله مراتب در مقابل برابری)، ملاحظات آنی که در آثار علمای جریان اصلی علم اقتصاد مانند فرنک ایچ. نایت و جوزف جی. اشپنگلر اهمیت اساسی دارد - اغلب توجه جنبی و فرعی را به خود جلب می‌کنند. مثلاً در قضیه افلاطون و ارسطو، رایبزر بر موضوع کمونیسم برای فرمانروایان قیم و موضوع بردگی تمرکز دارد - گو این‌که دلالت‌های عمده‌تر تقسیم کار مد نظر است - و در قضیه رُم دیدگاه مرسوم را که هیچ نظریه پرداز مهم اقتصادی وجود نداشت، بیان می‌کند. با این حال، مسائل مربوط به عدالت (که او تأیید می‌کند) و سازماندهی و کنترل سیستماتیک در آتن و رُم فراگیر و شایع بود، و این دو یونانی به علت نگرش‌های متفاوت‌شان به مسأله دانش به عنوان مبنای سیاست (آرمان‌گرایی در مقابل واقع‌گرایی) شهرت دارند.

به این ترتیب، بررسی تاریخ اندیشه اقتصادی مبتنی بر برداشت سخنران از گستره علم اقتصاد است. وقتی رابینز اندیشه اقتصادی پیش از اقتصاد مدرن را به عنوان موضوع «پیش‌بینی‌های» اندیشه اقتصادی یا علم اقتصاد در متون تاریخی فلسفه اخلاق مطرح می‌کند، نه آن‌که تفکر اولیه را در اوضاع و شرایط مربوط به خود و در محدوده علائق وسیع‌تر مد نظر قرار دهد، به وضوح قصد دارد اندیشه اقتصادی را به جریان اصلی مدرن نزدیک کند. گو این‌که علم اقتصاد بعد از قرن هجدهم همیشه متنوع و متشکل از انواع مکتب‌های درست آیین و کز آیین و متفکران خاص بوده است. بنابراین، مضمون «پیش‌بینی‌های» او قویاً تاریخ تفکر اقتصادی و یک است.^۳ معنای اندیشه‌های گذشته عمدتاً تنها در رابطه با علم اقتصاد مدرن، به عنوان مثال، مبادله، سود، قیمت، آن هم کم و بیش فقط یک برداشت از آن را مد نظر قرار می‌دهد. اقتصاد ادوار پیشین با مسائلی سروکار داشت که نظریه پردازان نئوکلاسیک به نحو قابل توجهی در زمره اقتصاد صرف قرار نمی‌دادند، گو این‌که این موارد موضوع عمده‌فی برای اقتصاددانان متأثر از مارکس، اتریشی و نهادگرا، و حتی برای خود رابینز در برخی از آثار او، مانند این موارد، بود: نظریه سیاست اقتصادی در اقتصاد سیاسی کلاسیک انگلیسی (۱۹۵۲)؛ رابرت تارتر و تکامل اقتصاد کلاسیک (۱۹۵۸)؛ سیاست و اقتصاد: رسالتی در اقتصاد سیاسی (لندن: مک‌میلان، ۱۹۶۳)؛ نظریه توسعه اقتصادی در تاریخ اندیشه اقتصادی (۱۹۶۸)؛ تکامل نظریه اقتصادی مدرن (۱۹۷۰)؛ و اقتصاد سیاسی: گذشته و حال (۱۹۷۶). رابینز علی‌رغم چنین ملاحظات مسلماناً تصدیق می‌کند که «اقتصاد و آنچه من اقتصاد سیاسی می‌نامم، راه‌های مختلفی را در پیش گرفته است» و علاقه به مراتب بیشترش (بیشتر از علم اقتصاد اثر سمیوئلسن [۱۹۴۸]) به مسائلی را که عمیقاً به اصول اقتصاد سیاسی اثر جان استوارت میل مربوط می‌شود، مورد تأیید قرار می‌دهد - گو این‌که او نیز متوجه است که در برخی سؤالات بی‌جواب اقتصاد سیاسی اثر میل «علم اقتصاد به معنای دقیق کلمه»، «معنای خاص کلمه» است.

دیدگاه رابینز نسبت به این موضوعات به زبان خودش در حرکت از نظریه هیوم درباره مالکیت به سوی نظریه خود او درباره پول مطرح می‌شود. او بعد از آن‌که تا حدی به تفصیل درباره نظریه مالکیت جان لاک و حتی با تفصیل بیشتر (تا اندازه‌ای با نقل قول‌های طولانی) در خصوص نظریه مالکیت هیوم صحبت می‌کند، چنین می‌گوید: «شما تأثیر هیوم را در اقتصاد تحلیلی مشاهده خواهید کرد نه در زمینه اقتصاد سیاسی، که اکنون درباره آن سخن می‌گفتم». برداشت قوی‌تری از این عبارت قبلاً، درست پیش از بحث او از لاک، مطرح می‌شود، در آنجا رابینز می‌گوید که او «ابتدا به تفکرات او [هیوم] درباره مالکیت می‌پردازد و سپس... به بخش

تحلیلی تر مقالات او (هیوم) که به علم اقتصاد مربوط می شود، خواهد پرداخت. چنین نکته تکراری که قویاً بیان می شود، تصادفی نیست. بعضی ها خواهند گفت نظریه مالکیت که این قدر برای سازماندهی و کنترل اقتصاد و تعیین پیآمدهای «بازار» قانونی حائز اهمیت است، در واقع بخشی از علم اقتصاد، حتی اقتصاد «تحلیلی» است، نه صرفاً پس زمینه. به هر حال، تمام این ها به درک مفهوم رابینز از علم اقتصاد، آن چنان که بر هر آنچه در سخنرانی هایش تحت پوشش قرار داده و بیان کرده تأثیر گذاشته است، کمک می کند. به نظر می رسد رابینز در این موضوعات تنش هائی را به نمایش گذاشته است.

از عبارت زیر چه می توان فهمید: «اشتباه نکنید، اگرچه چوئز در تاریخ تحلیل اقتصادی از مقام والاى برخوردار است، اما در علوم اجتماعى به عنوان متفکرى تمام عیار از مقام به مراتب بالاترى برخوردار است.» جواب با وجه تمایزی که تقریباً بلافاصله بعد از آن می آید، مطرح می شود: «آثار مهم او، از نظر شما سه نه از نظر این سخنرانی ها....» می توان حدس زد که رابینز در تعقیب راهبردی برای کنترل پذیر کردن شمول دامنه درشش دچار مشکل شده بود؛ چنان که از تمایز بین اقتصاد تحلیلی (که گاهی اوقات به نظر می رسد با علم اقتصاد برابر شمرده می شود) و اقتصاد سیاسى، اقتصاد کاربردی، علوم اجتماعى و مانند آن ها بهره می گرفت؛ و این که هیچ کس نباید از نقطه نظر رشته ئی، بیش از حد، عبارات محدود کننده مطرح کند. درباره کنترل پذیر کردن درس، مشاهده می کنیم که رابینز در یک مورد (و اشاره تلویحی در موارد متعدّد دیگر) می گوید «تمام آنچه، به اصطلاح، در محدوده موضوعی نباشد که در این سخنرانی به آن می پردازم، ندیده خواهم گرفت.» البته، راه حل برای مسأله کنترل پذیری بر برخی از اصول طرح و از آن طریق بر تصوّر موضوع مورد بحث تأثیر می گذارد. با وجود این، رابینز در بحث از نظریه ویزر در خصوص احتساب، استدلال می کند که «تأثیرات جامعه شناختی و اخلاقی - موضوعات ملال آور... به هم مربوط می شوند؛ آن ها «بخشی از برداشتی از... رابطه علت و معلولی را تشکیل می دهند.» نکته مشابه ئی در سخنرانی او درباره نظریه بهره وری نهائی مطرح می شود:

در نظر تان مجسم کنید که این گزاره را برای مزدبگیر بسیار باهوش اما با دستمزد بسیار پایین مطرح کنید که «دستمزد شما به وسیله بهره وری نهائی تعیین می شود و بنابراین عادلانه است.» و این مرد بسیار باهوش و با دستمزد اندک ممکن است در جواب بگوید، «من موافقم که طبق ارزش نهائی محصولم که به کارفرما می دهم اجرت بگیریم، اما شما به دلایلی که بهره وری نهائی من این قدر نازل است، نپرداخته اید - ناتوانی والدین من از دسترسی به سرمایه که می توانست

بهره‌وری نهائی مرا بالا ببرد، اگر از همه موانع نهادینی که مانع تحرک بیشتر من، و برخورداری از دامنه وسیع‌تری از گزینش‌ها، و دسترسی به اماکنی می‌شد که دستمزدهای تعیین شده وسیله بهره‌وری نهائی بالاتر است، ذکر می‌کنم همین باعث ضایع شدن گزاره ساده جی. بی. کلرک شد.^۲

به خواننده توجه می‌دهیم بر مبنای اظهار نظرهایی که در سخنرانی‌ها شده و ممکن است برای تثبیت نکات جزئی‌تر عنوان شده باشد، تفاوت تغییرناپذیر قائل نشود. به‌طور مثال، رابینز در بحث از توجه اسمیت به هزینه‌های افزایش یافته دفاعی از زمان اختراع باروت و تخصصی‌تر شدن امور دفاعی، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند و به سخن خود پایان می‌دهد «این موضوع مشمول تحلیل اقتصادی نمی‌شود و لذا از آن می‌گذرم» - که مشاهده آن از مؤلفی که کتاب‌هایی چون علل اقتصادی جنگ (لندن: جانان کیپ، ۱۹۳۹) و مسائل اقتصادی در صلح و جنگ (لندن: مک‌میلان، ۱۹۴۷) را منتشر کرده عجیب است. در سخنرانی دیگر، بعد از بحث درباره نظریه مالتوس در خصوص جمعیت و عواقب آن می‌گوید: «این بیشتر تاریخ اقتصاد سیاسی است تا تاریخ اقتصاد» که مقصود او از تاریخ اقتصاد همانا اقتصاد نظری است؛ و اندکی بعد از آن تأکید می‌کند که نظریه جمعیت «همراه با آدم اسمیت، زمینه‌نی اساسی را» برای اقتصاد کلاسیک سده نوزدهم فراهم آورد. به یقین نمی‌توان گفت که آیا در چنین عباراتی باید قاطعانه مطلبی تحلیلی را جست‌وجو کرد یا تاریخ‌نگاری را. به هر حال، مطلب مورد نظر در این سخنرانی تاریخ اندیشه اقتصادی بود، نه نظریه اقتصادی.

نکته دیگری که - به علت تحسین و تمجید کلاسیک امریکائی و اشاره‌های ضمنی‌اش به اقتصاد سیاسی (نه علم اقتصاد، علی‌رغم عباراتی که گاهی محدود و دقیق می‌شود) - قابل توجه است، اظهار نظر رابینز درباره کتاب فدرالیست است «که به نظر من بهترین کتاب در زمینه علم سیاست و جنبه‌های وسیع عملی آن است که در هزار سال گذشته نوشته شده است.» او در ادامه سخن خود می‌گوید، الگزاندر همیلتن «شاید آن‌گونه که شایسته او است به مقوله کتاب‌های درسی درباره تاریخ اندیشه اقتصادی وارد نمی‌شود».

آنچه روشنگر و حاوی اطلاعات مهم است - که شنونده را به فراسوی عبارات به ظاهر محدود می‌برد - حکم رابینز است که «شما نباید صرفاً اقتصاددان باشید؛ شما باید نسبت به مطالعات اجتماعی دیدی به مراتب وسیع‌تر داشته باشید. اگر کسی علوم اجتماعی را جدی بگیرد، حتی اگر با بخش زیادی از آن موافق نباشد، باید با ماکس وبر آشنا شود».^۵

جالب است که رابینز در اوایل سخنرانی ۳ به نظر می‌رسد تلویحاً اشاره می‌کند توسعه علم اقتصاد، آن‌طور که ما می‌شناسیم، باید در انتظار توسعه اقتصاد عمده پولی باشد که تجارت و صنعت ویژگی‌های آن را تعیین می‌کنند؛ همچنین آنچه به این موضوع ارتباط دارد، بررسی او از وجوه معینی از بهای عادلانه برحسب مبادله منفرد در مقابل مبادله اجتماعی سازمان یافته است. ادب و سعه صدر رابینز در سخنرانی مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اظهارات او در مواقع مختلف که تفسیر یا نظر او یا شخص دیگر «جهتدار و جانبدارانه» است، گویای این نکته است. سادگی و صراحت رابینز از اذعان او مستفاد می‌شود که در سخنرانی‌هایش درباره اندیشه اقتصادی در قرون وسطا به منابع موثق دست دوم «بسیار متکی» است. درباره اثر خویش به گونه‌ئی دیگر سخن می‌گوید؛ حتی در اینجا هم در ارائه قضاوت‌های تفسیری درنگ نمی‌کند، گو این‌که آن‌ها را قطعی نمی‌شمارد. این نکته را نیز خاطرنشان می‌سازد که از تحریر پیش‌گفتار بر کتابی حق تألیف اندکی دریافت می‌کند اما در عین حال خرید آن را به دانشجو توصیه نمی‌کند. یکی از کارکردهای دوره‌های درسی تاریخ تفکر اقتصادی وسعت بخشیدن به اندیشه دانشجویان است. رابینز در این خصوص به نحوی تحسین‌انگیز تلاش می‌کند. این موارد به آسانی به خاطر می‌آید: در رهیافتش به تاریخ اندیشه بلند نظر است نه انحصارگرایی خشک‌اندیش. توجه شنندگان را به کلمه و به وسیله آن به مفهوم جلب می‌کند و به این ترتیب به اصطلاح خودش به نحوی «طبیعی» به تدریج وارد علم اقتصاد می‌شود و مبنائی را برای دانشجو فراهم می‌آورد که غیر محقق بودن آن را تشخیص دهد و چیزی را که به دلخواه خویش توصیف می‌کند مسلم تلقی نکند. بین دو وجه محدودتر و گسترده‌تر مکتب سوداگری تمایز قائل می‌شود. تأکید می‌کند آنچه نویسنده‌ئی بیان می‌کند، «اعم از این‌که با او موافق باشید یا نباشید» ممکن است از لحاظ تاریخی اهمیت داشته باشد. بین استدلال‌هایی که «با اشاره به اوضاع و احوال معاصر عرضه می‌شود» و مواردی که جزئی و مطلقاً تفاوت قائل می‌شود و بر وجوه تمایز بین انواع کمی و غیرکمی سودگرائی و نیز بین تفسیرهای ساده‌انگارانه و پیچیده قانون طبیعی تأکید می‌کند. توضیح او درباره نظریه قراردادی پول که لاک مطرح می‌کند، این‌گونه است که این نظریه «مرا به طور اخص متقاعد نمی‌سازد، اما مسلماً دفاعیه‌ئی است که در بحث سیاسی سده هجدهم بر سر زبان‌ها افتاد و شما باید درباره آن اطلاعاتی داشته باشید.» و اما انتقاد او از مدل‌سازی: «مدل‌هایی پرتکلف و تصنع که اغلب مطالب صرفاً مبتذل را در لفافه این زبان عرضه می‌کنیم...» او توجه را به اهمیت تفاوت‌های توصیفی در [آثار] مؤلفان متفاوت قابل مقایسه معطوف می‌دارد. او از ژان بابتیست سه دفاع می‌کند و می‌گوید: «اما موضوع این است: اگر خواستی

کسی را نابود کنی، بدنامش کن. تصور می‌کنم این همچنان قانون سه نامیده خواهد شد، گو این که تاریخ اندیشه اقتصادی نشان دهد که سه به اندازه دیگران مقصّر نبود. رابینز از ترکیب موهبت طبیعی با شرایط و اوضاع و نیز تعلیم و تربیت دفاع می‌کند و می‌گوید: «اگر فکر نمی‌کردم که تعلیم و تربیت گاهی برای برخی از شما خوب است، زمانی این قدر طولانی را به عنوان فردی دانشگاهی نمی‌گذراندم.» از بعضی تفسیرها می‌نالد و می‌گوید، «می‌دانید، برای درک حقیقت باید به متون اصلی رجوع کنید.» خاطرنشان می‌سازد که موضوعات پیوستگی و گسستگی در تاریخ اندیشه اقتصادی عملکردی است از این که چگونه کسی مفاهیم بنیادی را تدوین می‌کند، و اشاره دارد به این که هر موضوع خاص «در معرض بحث و جدل است و مردم منطقی، به شرط آن که اصطلاحات خود را تعریف کنند، حق دارند نسبت به او [جان استوارت میل] به طرفداری یا به ضد او، ادعا داشته باشند.»

در زمینه بسیاری از ساختارهای باشکوه زبان‌شناختی، می‌توان این مورد را نقل کرد: بحث دربارهٔ «موت‌اثر اُرِم:» به نقاط ضعف رساله‌نویسی آلوده نیست بلکه نشانی از فضیلت‌های رساله‌نویسی دارد. دربارهٔ مالینز می‌گوید: «بین تاریخ اندیشه اقتصادی و حتی تاریخ خطای اقتصادی پیوستگی‌هایی وجود دارد.» در خصوص پیش‌گویی غیرکمی پتی می‌گوید: «می‌دانید که در علم اقتصاد به پیش‌گویی‌ها نباید اتکا کرد. اگر کسی به شما بگوید سال آینده از لحاظ کمی چه اتفاقی خواهد افتاد، نام او را به عنوان فردی ساده یا کسی که بدون توجیه صحبت می‌کند، یادداشت کنید.» در بحث از سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی و این فرضیه که «سخنرانی‌ها در لحظهٔ ایراد شدن از بین نمی‌روند»، چنین اظهارنظر می‌کند که «بعد از تقریباً شصت سال سخنران بودن، کاملاً مطمئن نیستم.» در بحث از افزایش بازده خاطرنشان می‌سازد، «مثلاً فقط به تاریخ صنعت اتومبیل، و پیشگامان این نوع سفر فکر کنید که روزهای یکشنبه ما را به سرعت به مقصد می‌رساند اما امروزه در روزهای کاری هفته از پیش‌روی جلوگیری می‌کند.»

چند خصوصیت عجیب و غریب وجود دارد. در یک مورد، رابینز از آدم اسمیت در مقابل این اتهام ترنس‌هاچینس که قصور او در تأیید اثر جیمز استیوارت غیرمنصفانه بود، دفاع می‌کند و می‌گوید: «عمل اسمیت کاملاً مشروع بود» که «از تبلیغ رایگان برای حریف و رقیب خود، که تا آن زمان به اسکاتلند بازگشته و در همان محافلی حاضر می‌شد که آدم اسمیت حضور داشت»، خودداری کند.

رابینز به این نکته نیز اشاره می‌کند که یکی از وظایف کار در تاریخ اندیشه اقتصادی اصلاح

توصیفات نامعقول و تفاسیر بی منطق بر آثار و نوشته‌های گذشته است. این موضوع در هیچ مقوله‌ئی بیش از مورد اقتصاددانان کلاسیک حائز اهمیت نیست.

با گذشت زمان، خامی و نامعقولی بسیاری از برداشت‌های معاصر از آغاز بحث و جدل‌های معاصر به خصوص درباره سیستم معروف کلاسیک، مرا به نحو فزاینده‌ئی آشفته کرده بود. به خاطر دارم در همان مراحل اولیه کنان توجه مرا به ادعای کسی جلب کرد که آن زمان استاد دانشگاه بالیول بود، در این خصوص که اقتصاددانان کلاسیک از حداقل دستمزد «دفاع کرده» بودند - گزاره‌ئی که می‌توان به راحتی پی برد چقدر غیر محققانه و گمراه کننده است؛ و با ادامه یافتن بحث‌های معاصر درباره نظریه‌های مربوط به سیاست‌گذاری، بیش از پیش احساس کردم سیستم کلاسیک در کل به نحوی باور نکردنی نادرست معرفی شده و توسط هر نویسنده یا گوینده‌ئی که مایل است دیدگاه‌های به اصطلاح روشنفکرانه‌اش را در مقابل زمینه‌ئی از واکنش تیره قرار دهد، به عنوان آلت دست استفاده می‌شود. آن را بسیار تأسفانگیز یافتم. ابدأ فکر نمی‌کردم نگرش کلاسیک همیشه صحیح است؛ این تصور هم در من وجود نداشت که نگرش مزبور در پرداختن به مسائلی که با آن سروکار داشت حرف آخر را زده باشد. اما به نظرم می‌آمد استنباط‌های کنونی از آن نه تنها تاریخ را تحریف می‌کرد بلکه کیفیت چیزی را که می‌بایست بحثی جدی و مهم باشد، تنزل می‌داد و با این میزان نادرستی و سطحی‌نگری آن را به مراتب کمتر از آنچه که می‌بایست، جالب نشان می‌داد. (رایبیز، ۱۹۷۱، ص ۲۲۶؛ نگاه کنید به یادداشت‌ها، شماره ۱)

این موضوع مستقیماً به تألیف نظریه سیاست اقتصادی در اقتصاد کلاسیک سیاسی انگلیسی منتهی شد. اگر یکی از مضمون‌های سخنرانی‌ها این باشد که دانشجویان و محققان باید بر برداشت‌های درست، نه تحریف شده از آنچه که مؤلفان باید بگویند، توجه کنند، مضمون دیگر این است که به نظریه‌های خاص اقتصادی - مثلاً، نظریه بهره، نظریه ارزش و نظریه کمیت - خصوصیات متنوعی داده شده است و یک نقش دوره درسی تاریخ اندیشه اقتصادی هو شیار کردن دانشجویان نسبت به غنای یک نظریه فراتر از صورت‌بندی آن است که همزمان آموزش داده می‌شود. به علاوه، تلقی او از ارزش، سرمایه، پول و بهره نشان می‌دهد که هر نظریه خاص در مورد هر موضوعی تنها یک وجه را در بر می‌گیرد و درک کامل مستلزم وجود نظریه‌های متعدد و فهمیدن آن‌ها است. ملی‌گرایی اقتصادی فقط یکی از عناوینی بود که در مورد این هشدار مصداق دارد که «جميع موارد تعمیم‌های ساده در این حیطه مستعد گمراه کردن‌اند.»

در موضوع به حد ریاضیات رساندن علم اقتصاد، رایبیز چند نظر جالب ابراز می‌کند. در

سخن از نظریه اقتصاد سیاسی اثر چوئز می‌گوید «ریاضیات ناچیز و بی‌ارزشی است. من به واقع فکر می‌کنم احتمالاً حق با مارشال بود که می‌گفت اگر چوئز ریاضیات را کنار می‌گذاشت کار مناسبی انجام می‌داد.» رابینز در بحث از فشار خاطرنشان می‌سازد که «البته او خود را به توضیح و بازنمایی هندسی محدود نمی‌کند. او به استفاده بی‌پیرایه از ریاضیات ادامه می‌دهد. (می‌دانید که اقتصاددانان بزرگ ریاضی همیشه از ریاضیات تقریباً به گونه‌ئی بی‌پیرایه و ساده استفاده می‌کنند. آنان با استنتاج‌هایی که نتوان با اصطلاحات اقتصادی بیان کرد کلام خود را به پایان نمی‌رسانند.)» و اما درباره ابزار منحنی‌های بی‌تفاوتی نظرش را چنین ابراز می‌دارد: «خدا می‌داند که برای یافتن مجموعه عظیمی از منحنی‌های بی‌تفاوتی باید چه مشاهداتی بکنید.» بیان چنین نظری از یک نظریه پرداز ممکن است عجیب باشد.

رابینز در زندگی‌نامه خود نوشت‌اش آمادگی و روش ایراد سخنرانی‌اش، دست‌کم در سال‌های آغازین، را این‌گونه توصیف می‌کند: «سخنرانی‌هایم را به‌طور کامل می‌نوشتم و مدتی وقت برای از بر کردن آن‌ها صرف می‌کردم. فوراً بگویم که آن‌ها را پیش از سخنرانی ابداً نمی‌خواندم. به‌عنوان یادآوری تنها خلاصه‌ئی از آن را حاشیه‌نویسی می‌کردم» (رابینز، ۱۹۷۱، ص ۱۰۴). رابینز نه تنها فاضل و مسلط به مطالبش بود، بلکه به‌وضوح در کمال دقت قبل از ایراد سخنرانی‌هایش آن‌ها را برنامه‌ریزی می‌کرد. در سخنرانی‌هایش خاطرنشان می‌سازد که «در پیروی از قانون استوارم که حافظه‌ام را در مورد آنچه می‌خواهم درباره‌اش صحبت کنم فعال و آگاه نگاه دارم، آن‌را [مقاله دوم لاک در مورد دولت] در نیم ساعت می‌خواندم.» به کلاس آوردن نسخه‌هایی از آثاری که درباره آن بحث می‌کرد، مؤید این مطلب است. این نسخه‌ها باید در کمک به احیای مضمون‌های آثار مورد بحث مؤثر بوده باشد.

دانشجویان دوره‌های دکترا و کارشناسی ارشد و نیز کارشناسی، و همچنین دانشجویان خارجی و انگلیسی، جمع شنوندگان او در این دوره درسی را تشکیل می‌دادند. رابینز سطح بالائی از توجه و علاقه‌مندی را از دانشجویان انتظار داشت، از جمله مقدار قابل توجه‌ئی کار در زمینه درس (هرچند متفاوت و نامنظم) را که به‌خصوص باید توسط دانشجویان دکترا و کارشناسی ارشد انجام می‌شد. با این حال، او کاملاً این آمادگی را داشت که از میان دانشجویان و شنوندگان، کسانی را که «جذبی» بودند از آنان که جذبی نبودند، تشخیص دهد.

رابینز بی‌جهت مورد احترام و تکریم بسیاری از دانشجویان سابقش نبود و بی‌دلیل دیگران با احترامی شگرف درباره او صحبت نمی‌کردند. با این حال، او برای همه جذاب نبود، اگرچه قصور از جانب دیگران بود نه از جانب او. هربرت سایمونز درباره اولین ملاقاتش با رابینز که در ۱۹۷۴

در نافیلیون یونان صورت گرفت، این چنین می نویسد: «لرد رابینز مرا به یاد تمام آنچه در تکبر علم اقتصاد از آن نفرت داشتیم و دور بودن آن از امور واقع انداخت. من که از این تفرعن رنجیده بودم، به یکی از اظهاراتش در بحثی که داشت، با لحنی که به وضوح توهین آمیز بود، جواب دادم و جان هیکس بعداً (به طور خصوصی) به همین علت مرا مورد ملامت قرار داد.»^۷ از طرف دیگر، مارک پرلن که قاطعانه تر تحت تأثیر مثبت رابینز قرار گرفته بود، به «لردمنشی اشرافی» او اشاره می کند،^۸ و کلام جیمز مید نیز به «همصحبی دلپذیر او، لذت بردن تسری یافته او از هر آنچه در اطرافش بود، حس شگفت انگیز او در خنداندن، [و] از استعداد او به عنوان لطیفه گوی رقیب قلبی که از نقاط ضعفش، از خودش و از دیگران صحبت می کند،»^۹ دلالت دارد. «لرد رابینز» در کلام ویلیام بامول «تجسم همه فضیلت های رفتار فرهیخته و پژوهشگرانه بود.»^{۱۰}

این سخنرانی ها در مورد رفتار و سلوک رابینز چه نکته ای را بیان می کنند؟ او به روشنی حالتی جدی، با اعتماد به نفس و اقتدار را نشان می داد. با این حال، او به وضوح متواضع و متعادل است. او توجه را در اتکایش به منابع موثق دیگر جلب می کند - به مسائل تفسیری که نمی تواند در مورد آن ها به موضع قاطعی دست یابد، به محدودیت های دانش خود، و به چکیده های مختصر و حتی خام (این کلمه از خود اوست، همان طور که عبارت «سطحی بودنش نفرت انگیز است» از اوست) که در اثر تنگی وقت الزاماً از ایده ها و نظریاتش تهیه کرده است، معطوف می دارد. او در این سخنرانی ها احاطه بر مطالب مربوط به رشته، به خصوص مطالبی را که مهم تلقی می کند و تسلطی را که از تخصصش بر می آید، به نمایش می گذارد. قضاوت های تفسیری او نوعاً بخردانه است، اگرچه همان طور که اغلب متذکر می شود، بدون بحث و جدل نیست. مانند تمام دوره های درسی مربوط به تاریخ اندیشه اقتصادی، درس او فقط برای متخصصان مورد نظر ارائه نمی شد. اما به یمن بررسی عمده و وار او، درس وی موردی بود که متخصص می توانست بر مبنای آن، در زمینه ای که به وضوح مشحون از ماجرا و معناداری است، ارکان شغلی را استوار سازد.

به جز این، او انسانی گیرا، تأثیرگذار و هوشیار بود که، مانند بسیاری از آدم های دیگر، همه را مجذوب خود نمی ساخت. او شاید بیش از اکثر اقتصاددانان آکادمیک، مردم عادی و عامی را به خود جذب می کرد. در نظر ما، سخنرانی ها - که از جمله ویژگی های آن ها، جذابیت و نیز این حساسیت است که مبادا دانشجویی را آزرده سازد - به خودی خود گویا هستند. سخنرانی ها نه تنها تبخّر و استادی یک نظریه پرداز در موضوع مورد بحث را آشکار می سازد بلکه دالّ بر حضور متفکری بزرگ، تیزهوش و حسّاس است که برای اجتناب از عبارات خشک و جزمی از

مسیر خود خارج می‌شود. این دوره درسی کم و بیش دامنه و شمول متداول را داشت، پرمایه و عمیق و مشحون از تعابیر تفسیری پیچیده بود. و اما در نظر دانشجویان، اگرچه گاهی آنان را به علت مطالعه محدود یا ناچیز ملامت می‌کرد (زمانی می‌گوید، «می‌دانم که دوست ندارید خواندن تمام کتاب‌ها را به شما توصیه کنم»)^{۱۱} آنان آشکارا محبت زیادی به او داشتند، روز تولدش کارت تبریک به او می‌دادند، که در دانشگاه واقعی نامعمول بود. ویلیام بامول درباره «تأثیر قوی [رابینز] بر ما دانشجویان» به خصوص به وسیله «علم و فضل باور نکردنی، حجب و تواضع عمیق و واقعی و توانایی به عنوان معلم»^{۱۲} نوشته است. تردیدی نیست این سخنرانی‌ها برای خوانندگان به همان اندازه جذاب خواهد بود که برای نسل دانشجویانی که این سخنرانی‌ها خطاب به آنان ایراد شده است.

از جمله مضامین تکراری که در این سخنرانی‌ها شنیده می‌شود، تصور قاطع رابینز است که دانشجویانش به ایجاد کتابخانه شخصی حرفه‌ای علاقه‌مند خواهند بود. در واقع کتابخانه شخصی رابینز که بیشتر آن اکنون در اختیار بانک ایتالیا است، شامل حدود سه هزار جلد کتاب درباره اندیشه اقتصادی از یونان باستان تا اواخر سده بیستم بود. در این رابطه، توجه به نقش او در چاپ مجدد نامه‌هایی درباره سیاست بازگانی اثر تارنر جالب است: «نسخه [چاپ اصلی] آن فوق‌العاده کمیاب است، و من تا حدی به این علت که هرگز نتوانسته بودم نسخه‌ای از آن را خودم به جز در موزه پیدا کنم، مدرسه اقتصاد لندن را به چاپ مجدد آن ترغیب کردم»^{۱۳} ما در اینجا با رابینز همدردی می‌کنیم: یکی از انگیزه‌های چاپ مجدد سلسله کتاب‌های ترنزاکشن (Transaction Books) — متون کلاسیک علم اقتصاد — که اکنون ویرایش مشترک آن را به عهده دارم، از همین مقوله است. خواننده مجذوب دفاع جذاب رابینز در استفاده‌اش از نقل قول‌ها می‌شود: «آدم اسمیت درباره استادان آکسفورد، که مدت‌ها قبل 'تظاهر به تدریس' را ترک کرده‌اند، گفته است که آنان گاهی عزت نفس خود را با بلند خواندن کتاب‌های کسالت‌آور حفظ می‌کنند. حالا، امیدوارم کتاب‌های کسالت‌آور را به صدای بلند برای شما نخوانم. به جای این‌که از خودم فی‌البداهه سخن بگویم، فقط به صدای بلند برای شما می‌خوانم، چون فکر می‌کنم قطعاتی از خود کتاب بهتر از هر آن چیزی است که من از آن‌ها به وجود می‌آورم.» هر کس که به خصوص درباره تاریخ اندیشه اقتصادی سخنرانی کرده باشد، این احساس او را ستایش می‌کند.

دو اظهار نظر به‌طور اخص حجب و وقار و نیز جاذبه و دلنشینی رابینز را آشکار می‌سازد. یک مورد اظهار نظر او درباره بررسی جان استوارت میل از اثر ویلیام تورنتن موسوم به درباره کار است که می‌گوید، «بررسی او، آن‌چنان که شایسته مطلبی است که شخصی در مورد

یکی از دوستانش بنویسد (و باید در مورد بسیاری از دشمنان نیز چنین باشد) صمیمانه و دوستانه بود. دومی به مارکس مربوط می‌شود: «باید بگویم که مارکس، چه با او موافق باشید چه مخالف، احتمالاً بهترین مورخ اندیشه اقتصادی زمان خودش بود، گو این که شخصاً فکر می‌کنم - و این یک قضاوت ارزشی است - مارکس نسبت به کسانی که مورد انتقاد قرار می‌داد به‌طور وحشتناکی بی‌انصاف بود.»

سرمشق رایبیز برای توصیف امکان مبادله هزینه‌های مختلف نسبی معین نیز آموزنده و دلنشین است. در حالی که الگوری تدریس یک امریکائی متعارف کارفرمائی است که می‌تواند بهتر از منشی خود تایپ کند، الگوری رایبیز دانشگاهی متشخصی است که «برتر از خدمتکار شخصی موقر خود» است. بنا به گفته جف پیدل، وقتی که این مورد را شنید، هر دو نمونه نه تنها منعکس‌کننده هزینه نسبی بلکه سلسله مراتب (و، در مثال امریکائی، تقسیم کار با توجه به جنس زن و مرد) است: می‌توان برای مثال از نجار و لوله کش استفاده کرد؛ تفاوت در این است که نمونه‌های قبلی برای قوه تخیل جذاب است.

رایبیز در پرداختن به شهرت جان استوارت میل نکته‌ئی را درباره ماهیت منشأ گرایش‌های عمومی تفسیری در تاریخ اندیشه اقتصادی مطرح می‌کند: «وقتی که جوان بودم، در این دانشکده سنتی وجود داشت - به وضوح بانی آن کنان بود - که جان استوارت میل را قابل نمی‌دانستند و شکی ندارم که وقتی کنان جوان بود، و وقتی که جان استوارت میل در آکسفورد به کله او فرو کرده بود که در این موضوع کم و بیش حرف آخر را او می‌زند، این فکر به ذهن کنان راه پیدا کرده بود.» رایبیز به گونه‌ئی مناسب، فهرست جرج استیگلز از موارد مهم مشارکت میل در نظریه را تلخیص می‌کند. مدتی قبل از آن، رایبیز در مورد درس کنان در مدرسه اقتصاد لندن نوشت که «محافظی در مقابل فرو رفتن در اصول عقاید هر مکتب خاص و غفلت از اصول عقایدی بود که قبلاً کشف شده بود.»^{۱۴}

فیلیپ رایبیز، نوه رایبیز، که آن زمان در مدرسه اقتصاد لندن دانشجوی بود، سخنرانی‌ها را روی نوار ضبط می‌کرد.^{۱۵} آنچه روی نوار ضبط شده بود، ابتدا روزمری پیر (اهل ساری انگلستان) روی کاغذ آورد. این نسخه تایپ شده، با ویرایش‌هایی که خانم رایبیز و کریستوفر جانسن، داماد رایبیز، روی نسخه خطی انجام دادند، در پرونده‌ئی در بایگانی مدرسه اقتصاد لندن، که خانواده رایبیز در ۱۹۸۹ به امانت سپردند، نگهداری می‌شود. وقتی که می‌ما در تابستان ۱۹۹۵ موقع

تحقیق در بایگانی مدرسه اقتصاد لندن این دست‌نویس‌ها را مشاهده کرد، بلافاصله متوجه شد که این‌ها استثنائی هستند و انتشار وسیع‌ترشان اشکالی نخواهد داشت. وقتی با خانواده رابینز تماس گرفتیم و از امکان انتشار سخنرانی‌ها نظرخواهی کردیم، اطلاع دادند که نوارهای اصلی که سخنرانی‌ها روی آن ضبط شده، موجود است. وقتی به آن‌ها دسترسی یافتیم، فراگرد طولانی و پراش سخنرانی‌ها را برای انتشار شروع کردیم.

نسخه اصلی تایپ شده دارای موارد بسیاری خطا و نیز از قلم افتادگی بود که بیشترشان، آن‌چنان که می‌توان انتظار داشت، ناشی از ناآشنائی ماشین‌نویس با تاریخ اندیشه اقتصادی بود. یک فتوکپی از نسخه تاپی اولیه اسکن شده را وارد کامپیوتر کردیم. مدما با استفاده از نوارهای ضبط شده آن‌را ویرایش کرد، بعد این متن را او و من ویرایش کردیم. سخنرانی‌ها همان‌طور که ایراد شده بودند، با اندک اصلاحاتی که جنبه سبک‌شناسی و از این قبیل داشت، چاپ شد. هیچ کوششی برای اصلاح «خطاهای» رایج صورت نگرفت. غیر از آنچه در نقل‌قول‌ها داخل پرانتز اضافه شده، تمام تعلیقات (داخل قلاب) توسط ویراستاران افزوده شده است. تمام یادداشت‌های پایان فصل‌ها نیز توسط ویراستاران نوشته شده است. به استثنای نقل‌قول‌ها (مگر مواردی که به‌صورت دیگر ذکر شده باشد)، کلماتی که با حروف ایتالیک نوشته شده، در سخنرانی‌ها مورد تأکید رابینز بوده است.

از آنجا که برخی از این سخنرانی‌ها ایراد نشد و دو مورد هم ضبط نشد، تصمیم گرفتیم سخنرانی‌ها را به‌طور متوالی شماره‌گذاری کنیم نه طبق طرح شماره‌گذاری رابینز. از آنجا که مطالبی که در یک سخنرانی مطرح می‌شود، گاهی اوقات به سخنرانی بعدی انتقال می‌یابد، عنوان بعضی از سخنرانی‌ها را (در مقایسه با عنوان‌هایی که در طرح کلی رابینز ارائه شده است) تغییر دادیم و آن‌ها را به‌نحوی مجده نام‌گذاری کردیم تا به‌طور مناسب محتوای سخنرانی‌ها را منعکس کند. اما در انجام این کار سعی کردیم در حد امکان به عنوان‌های خود رابینز نزدیک باشیم.

کریستوفر جانسن تعدادی از مستندات مربوط به آثاری را که رابینز در نسخه تاپی اولیه به آن‌ها اشاره یا از آن‌ها نقل‌قول کرده است، فراهم آورد و ما جریان مستندات را در اینجا کامل کردیم، و صفحات مستندات برای نقل‌قول‌ها و فهرست کاملی از مراجع را تهیه کردیم. هرچا که میسر بود (و موارد استثنا بسیار اندک است)، مستندات ارائه شده از آثاری از کتابخانه خود رابینز یا چاپ‌های مشابه آنچه رابینز داشت، بود - و به این ترتیب، دقیقاً همان آثاری را یافتیم که رابینز در سخنرانی‌هایش از آن‌ها نقل‌قول می‌کرد.

جریان آماده‌سازی این سخنرانی‌ها برای انتشار، ما را مدیون افراد و سازمان‌های متعددی

ساخت که در این کار به ما کمک کردند. حمایت کریمانه مالی را انجمن امریکائی فلسفه فراهم آورد که هزینه دیدار از مدرسه اقتصاد لندن را پرداخت، که مدام ابتدا نسخه دست‌نویس سخنرانی‌ها را در آنجا یافت، و نیز در پی آن مخارج سفر به رم را برای مقابله نقل قول‌ها و مستندات با کتابخانه شخصی رایبیز، که اینک در اختیار و تملک بانک ایتالیا است، پرداخت. ما به‌ویژه مایلیم از الینور روک و میلدرد کاهن، رئیس هیأت تحقیق ای. پی. اس.، برای کمک بی‌دریغ به‌منظور میسر ساختن این کمک مالی سپاسگزاری کنیم. بودجه اضافی را دانشگاه کلرادو در دفتر برنامه‌های حمایت نشدهٔ دنور تأمین کرد.

از دکتر آنجلا راسپین و کارکنان بایگانی مدرسه اقتصاد لندن، به‌ویژه سو دانلی و برندا لیس هم، که در دیدار مدام از مدرسه اقتصاد لندن مساعدت‌های ارزشمندی کردند، کمال امتنان را داریم. مایلیم از بانک ایتالیا و کارکنان سرویس مطالعات، بخش کتاب‌شناسی و انتشارات هم که خارج از حیطه وظایف خود جریان مقابله نقل قول‌ها و مستندات را طی دیدار مدام تسهیل کردند، سپاسگزاری کنیم. ماریا ترزا پاندولفی، کتابدار ارشد، پاتریسیا پالیانو، آنتونیو روبیو، پیرینو دارمی، روبرتو پیزانی، رومانو مانچینلی، روبرتو مارتسینوتو، و رتسو فرانچسکو سعی بسیار کردند که در ردیابی بسیاری از مطالب به ما کمک کنند. تمام این کار با شور و اشتیاق، شادابی و کارائی صورت گرفت که برای غلبه بر فشار تنگی وقت در این دیدار و همچنین ناآگاهی تقریباً کامل مدام به زبان ایتالیائی کمک کرد. تشکر ویژه‌ای داریم از پاتریسیا و آنتونیو که طی آن دو هفته احساس دوستی و صمیمت بسیاری ابراز می‌نمودند.

کارکنان کتابخانه اوراریا در دانشگاه کلرادو در دنور و، به‌خصوص، افرادی که در دفتر امانات بین کتابخانه‌ها کار می‌کنند، در یافتن آثار مختلفی که در نقل قول‌ها به آن‌ها اشاره شده بود، به‌طور مداوم کمک کردند.

در سراسر این جریان، افراد گوناگون به طرق مختلف به ما کمک کردند. کیت دنینگ با توانائی تمام کار اسکن کردن نسخه‌ها و تبدیل و پاک‌سازی پرونده‌های اسکن شده را انجام داد، فهرست نقل قول‌ها را جمع‌آوری کرد، مراجع را یافت، و کتاب‌شناسی نوشته‌های رایبیز در تاریخ اندیشه اقتصادی را، که به‌صورت ضمیمه به این کتاب افزوده شده است، تلفیق کرد.^{۱۶} تمام این کارها با اشتیاق و کارائی که معمول کارهای او است، صورت گرفت. ارقام و نمودارها را تیموتی پاتر تهپه کرد و لین فرگوسن در زمینه منشی‌گری، کارائی ویژه خود را در خدمت به او به کار گرفت. دیرا مدام در مدت زمان دیدار ما از بانک ایتالیا در یافتن نقل قول‌ها و مستندات کمک‌های

ارزشمندی کرد و وظیفه نه چندان شوق‌انگیز جست‌وجو در کتابی بعد از کتاب دیگر در یافتن گزیده‌های حداکثر دو کلمه‌نی را به عهده گرفت و مثل همیشه در سراسر مدت کار الهام‌بخش بود. لطف ویلیام باربر آن قدر بود که برای تعیین دقیق تکه‌نی از داستان ابروینگ فیشر که رابینز در سخنرانی ۳۰ به آن اشاره می‌کند، موفق شدیم. داندل موگریج در یافتن مطالبی دربارهٔ کینز به ما کمک کرد و داندل واکر دربارهٔ والراس همین مساعدت را کرد. آندرتا سالانتی ترجمه‌نی از نمودار و تحلیل نظریهٔ تجاری بارونه را که به زبان ایتالیائی بود، تهیه کرد. سوزان هاسون، زندگی‌نامه‌نویس رسمی رابینز ما را در فراهم آوردن کتاب‌شناسی آثار رابینز در مورد تاریخ اندیشهٔ اقتصادی یاری داد و دنیس اُبراین که اثر او در شرح احوال رابینز در این زمینه بسیار مفید بود، ما را یاری کرد. از ویلیام بامول و مارک پرلمن باید به دلیل حمایت از این طرح و پیشنهادهای‌شان در خصوص ویرایش نسخهٔ دست‌نویس سپاسگزاری مخصوص کرد.

مثل همیشه پتر دوگریتی و دیگران در انتشارات دانشگاه پرینستون در سراسر دورهٔ آماده‌سازی این سخنرانی‌ها تا مرحلهٔ انتشار به نحوی باور نکردنی از ما حمایت کردند. از آنان به دلیل اشتیاق‌شان برای متقبل شدن انتشار این سخنرانی‌ها و نیز مساعدت‌شان در نظارت کامل این طرح تا مرحلهٔ انتشار بسیار سپاسگزاریم.

و سرانجام، نکتهٔ بسیار حائز اهمیت آن است که ما یلیم از خانوادهٔ رابینز که اجازه دادند تا این طرح را به عهده بگیریم، سخنرانی‌هایی را که روی نوار ضبط شده بود، در اختیار ما گذاشتند، و تمام کمک‌هایی که در طول راه به ما کردند، تشکر کنیم. کریستوفر و آن جانسن در تمام مدتی که این کار ادامه داشت اطلاعات زیادی برای ما فراهم آوردند و بسیاری از درهای بسته را به روی ما گشودند. یکی از موارد برجسته مربوط به طرح این بود که دریافتیم خانم رابینز وقتی که دانست این سخنرانی‌ها در آستانهٔ انتشار است، بسیار خشنود شد. خانم رابینز در ژانویه ۱۹۹۷ در سن صد سالگی درگذشت. او در نظر خانوادهٔ رابینز «همراهی حساس، با روحیه و هوشمند بود.»^{۱۷} این کتاب به خاطرهٔ او تقدیم می‌شود.

استیون جی. میدما

و

وارن جی. سمیونز

یادداشت‌ها

۱. نگاه کنید به

Lionel Robbins, *Autobiography of an Economist* (London: Macmillan, 1971),

و مطالب مربوط به زندگی‌نامه و موضوعات دیگر در

D.P. O' Brien, *Lionel Robbins* (New York: St. Martin's Press, 1988), and "Lionel Charles Robbins, 1898-1984," *Economic Journal* 98 (March 1988): 104-25; Mark Blaug, *Great Economists since Keynes* (Totowa, N.J.: Barnes & Noble Books, 1985); T.W. Hutchison, "Robbins, Lionel," in D.L. Sills, ed., *International Encyclopedia of the Social Sciences*, vol. 18 (New York: Free Press, 1979); M. Peston, "Lionel Robbins: Methodology, Policy and Modern Theory," in J.R. Shackleton and G. Locksley, eds., *Twelve Contemporary Economists* (London: Macmillan, 1981); and B.A. Corry, "Robbins, Lionel Charles," in J. Eatwell, M. Milgate, and P. Newman, *The New Palgrave: A Dictionary of Economics*, vol. 4 (London: Macmillan, 1987).

۲. orthodox and heterodox schools: مکتب‌های متعارف و نامتعارف؛ مکتب‌های رسمی - سنتی و بدعت‌گذار.

۳. رهیافت «ویگ» ("Whig") تاریخ تفکر اقتصادی را برجسب گذار از خطا به صدق تحلیل می‌کند، همراه با تاریخ انضباط که فقط یا عمدتاً به مثابه سنجش در مقابل ایده‌های زمان حال اهمیت پیدا می‌کند، نه به‌خودی خود یا در متنی که ایده‌ها در آن پرورده شده‌اند.

۴. این مطلب شبیه مطلبی است در تکامل نظریه اقتصاد مدرن (۱۹۷۰، صص ۱۹-۲۰)، که رابینز در آن نوشت، «در این خصوص، مایلم از موضوع خارج نشوم و موارد استفاده معینی را که این تحلیل به آن پرداخته است، اکنون و در اینجا رد کنم. گاهی استدلال شده - شاید متهم اصلی جی. بی. کلرک باشد - که چون، تحت شرایط رقابتی، به کارگزاران مولد مطابق ارزش محصول نهایی فیزیکی (مادی) شان پرداخت می‌شود، دلیل بر این است که چنین سیستمی عادلانه است. البته این کاملاً مغالطه و استنتاج کاذب، و وسوسه برای استفاده مظلوم‌نمایانه است. قبل از آن‌که بتوانیم درباره عدالت توزیعی بحث کنیم، باید ترتیبات - توزیع اموال، قابلیت دسترسی به آموزش فنی مناسب، وجود اطلاعات مناسب و جز آن - را، که موجب می‌شود محصول نهایی فرد همان چیزی باشد که هست و نه چیز دیگر، و موجب بسیاری ملاحظات کاملاً خارج از آن رشته از تحلیل‌هایی می‌شود که من بحث می‌کنم، مورد بررسی قرار دهیم. اما به این نکته باید توجه داشت که هواداران برجسته این ایده، به استثنای فن تونن، چنین ادعاهایی را مطرح نکرده‌اند. اگر مارشال را به عنوان مثال بارز کاربرد محتاطانه آن در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که او از مطلب خارج می‌شود تا انکار کند که این ایده می‌تواند، حتی به معنای دقیق کلمه، نظریه کامل توزیع را بیان کند و آن را به‌طور کلی به عنوان توضیحی محدود برای تقاضای مشتق و نیز جزئی ضروری از ایده جایگزینی، در جایگاه صحیح خود قرار دهد». رابینز بار دیگر به انتقاد بهره‌گیری از «امساک» از جانب سینیور در توضیح بهره می‌پردازد، انتقادی ساده‌لوحانه درباره مردم ثروتمندی که ریاضت می‌کشند. برای ملاحظه موارد دیگر در خصوص نظریه‌های محدود، نگاه کنید به آنچه در ادامه می‌آید.

۵. در خصوص تاریخ علم اقتصاد - در تقابل با تاریخ تفکر و نظریه اقتصادی - رابینز به نحوی شگفت‌انگیز اظهار نظر می‌کند که «علم اقتصاد، آن‌چنان که در سده نوزدهم بسط و توسعه یافت، موضوعی نبود که بخشی از مطالعات اجباری و ضروری اشراف فرهیخته شد.»

۶. شاید این موضوع توضیح‌دهنده گفتار رابینز باشد که «من درباره جلسات انجمن امریکائی اقتصاد [که در آن‌ها فیشر سعی می‌کرد همکاران حرفه‌ئی‌اش را در سلک مروّجان عقایدش درآورد] مطالبی شنیده‌ام. جلسائی وجود دارد که قطار قطار امریکائی در مراکز ایالت‌های مختلف ایالات متحد امریکا وارد آسمان‌خراش‌ها می‌شوند، و در آنجا رساله‌هایی را که خوانده می‌شود فرا می‌گیرند، و نوعی بازار گله‌داران برای اقتصاددانان تازه‌کاری است که اقتصاددانان ارشد، آن‌ها را در مزایده برای ارتقای سطح دپارتمان خود جذب می‌کنند. می‌دانید، که کار بدی نیست. دو نوع می‌توان به آن نگاه کرد، اما تا آنجا که به تولید اقتصاددانان در ایالات متحد در این قرن [قرن بیستم] مربوط می‌شود، چندان بد از آب در نیامده است.» البته، توصیف او از بازارهای کار آکادمیک ناقص است.

7. Herbert A. Simon, *Models of My Life* (New York: Basic Books, 1991), p. 321.

8. Mark Perlman, "What Makes My Mind Tick," *American Economist* 39, no. 2 (fall 1995): 12.

۹. مید در تکریم خاطره رابینز، در *Economica* 52 (February 1985): 3-5 at 5.

۱۰. بامول در تکریم خاطره رابینز، در *Economica* 52 (February 1985): 5-7 at 5.

۱۱. خود او به ناممکن بودن خواندن همه چیز اشاره دارد. او در سخن از نظریه بوم - باورک درباره روش‌های غیرمستقیم تولید، می‌گوید که این «زمینه معروفی بود که بسیاری از مقالات من در میان‌سالی را به خود اختصاص داد که تفکر درباره مواردی که ناخوانده رهای‌شان کرده باشیم برای من غیرقابل تحمل است.»

۱۲. بامول در تکریم خاطره رابینز، در *Economica* 52 (February 1985): 5-7 at 5.

۱۳. رابینز در سخن از نایاب بودن اصول جدید اقتصاد سیاسی اثر جان زاء، اعتراف می‌کند که «اغلب نسخه‌ئی را در باشگاهی که عضو بودم دیده‌ام و به نحوی باورنکردنی تمایل به دزدیدن آن داشته‌ام. از زمان انتشارش، هیچ‌کس آن‌را نخوانده بود، اما چون خوب تربیت شده بودم از این کار خودداری کردم.»

14. Lionel Robbins, "A Student's Recollections of Edwin Cannan," *Economic Journal* 45 (June 1935): 396.

۱۵. اکثر سخنرانی‌ها در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۰ ضبط شدند. اما فاصله‌های میان آن‌ها در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۱ پر شد.

۱۶. ضمیمه مورد بحث در واقع منابع دور از دسترسی است که هم برای خواننده فارسی‌زبان جذابیتی ندارد و هم این‌که نقل آن‌ها در ترجمه فارسی بر حجم کتاب می‌افزاید. به همین دلیل این ضمیمه در ترجمه فارسی حذف شده است - م.

17. Lionel Robbins, *Autobiography of an Economist* (London: Macmillan, 1971), p. 97.